

## عنوان مقاله

### بررسی مسئله اقامتگاه مسلمانان مقیم کشورهای غیر اسلامی

نویسنده: غلامعلی قربانی

#### چکیده

پژوهش حاضر تحت عنوان « بررسی مسئله اقامتگاه مسلمانان مقیم کشورهای غیر اسلامی » می باشد که به تبیین وضعیت مسلمانانی که اقامت کشورهای غیر اسلامی را دارند، می پردازد. چرا که اقامتگاه از جمله مفاهیم حقوقی مشترک در حقوق داخلی و حقوق بین المللی است. در واقع می توان گفت اقامتگاه رابطه ای مادی و حقوقی که شخص را، بدون توجه به تابعیت، به قسمتی از خاک یک کشور پیوند می دهد. به عبارت دیگر، اقامتگاه جایگاه حقوقی شخص را در یک کشور مشخص می نماید. با توجه به عوامل مذکور، آنچه به عنوان هدف در این پژوهش مدنظر است، بررسی وضعیت اقامتگاه مسلمانانی که در کشورهای غیر اسلامی مقیم هستند، میباشد. و اهمیت مسئله اقامتگاه بیشتر از آن جهت است که حل بسیاری از مسائل حقوق بین الملل خصوصی بدان بستگی دارد. علاوه بر این در این نوشتار به دنبال این سوال هستیم که وضعیت اقامتگاه مسلمانان مقیم در کشورهای غیر اسلامی چگونه است؟ و برای دستیابی به این سوال این فرضیه را نیز مطرح نموده ایم که مسلمانانی که در کشورهای غیر اسلامی مقیم اند از حداقل حقوق خود برخوردار هستند و در کشورهای غیر اسلامی از وضعیت مطلوبی برخوردار نیستند. در هر حال یافته ها از آن حکایت می کند که مسلمانان ساکن در کشورهای غیر اسلامی اعم از اینکه در آن کشور اقامت دارند و به همه وظایف و تکالیف خود عمل می کنند اما از حداقل حقوق خود برخوردار هستند.

**واژگان کلیدی: اقامتگاه، مسلمانان، کشورهای غیر اسلامی.**

#### مقدمه

یکی از موضوعاتی که در حقوق داخلی و حقوق بین الملل واجد اهمیت به سزایی می باشد، موضوع اقامتگاه است. قطعاً پرداختن به مبحث اقامتگاه و بررسی وضعیت مسلمانانی که مقیم کشورهای غیر اسلامی هستند می تواند ما را به اهمیت و تبیین هر چه بهتر واقف نماید. چرا که ارتباط هر شخص با محیط اطراف خود، محلی که در آن زندگی می کند، یا به کسب و کاری اشتغال دارد، تحت عنوان اقامتگاه مورد بررسی قرار می گیرد. و مبنا در تعیین اقامتگاه مرکز مهم امور است از اینرو است که غالباً مرکز مهم امور فرد همان محل سکنا وی نیز هست.

با این اوصاف در این نوشتار به دنبال این سوال هستیم که وضعیت اقامتگاه مسلمانان مقیم در کشورهای غیر اسلامی چگونه است؟ و برای دستیابی به این سوال این فرضیه را نیز مطرح نموده ایم که مسلمانانی که در کشورهای غیر اسلامی مقیم هستند از حداقل حقوق خود برخوردار هستند و در کشورهای غیر اسلامی از وضعیت مطلوبی برخوردار نیستند.

اما در خصوص چارچوب ساختاری پژوهش حاضر می توان ذکر نمود که پژوهش پیشرو در ۸ بخش تنظیم شده است. پس از ذکر چکیده و مقدمه در بخش سوم به بررسی پیشینه ی تاریخی اقامتگاه می پردازیم و در بخش چهارم هم به تعریف و تبیین اقامتگاه پرداخته خواهد شد. و بخش پنجم و ششم آن به ارکان، اقسام و اصول حاکم بر اقامتگاه اختصاص خواهد یافت. در بخش هفتم هم سعی بر این است فواید حقوقی تعیین اقامتگاه مورد بررسی قرار گیرد. و بخش آخر آن هم به بررسی وضعیت مسلمانان در کشورهای غیر اسلامی می پردازیم. و در آخر هم با نتیجه گیری از کل مطالب، این پژوهش را به پایان می رسانیم.

## پیشینه تاریخی اقامتگاه

در این گفتار ابتدا سابقه ی تاریخی مختصری در مورد اقامتگاه مورد بررسی قرار می دهیم. تاریخچه اقامتگاه را به طور مختصر در حقوق رم، فرانسه، اسلام و ایران مورد مطالعه قرار می دهیم.

در حقوق رم اقامتگاه محلی بوده که مرکز مهم امور شخص در آن قرار داشته است، اما اقامتگاه می توانسته متعدد باشد. احوال شخصیه تابع قانون اقامتگاه بوده، صلاحیت دادگاه در دعاوی با دادگاه اقامتگاه خوانده بوده است. افراد در تعیین اقامتگاه خود آزادی کامل داشته اند و فقط در مورد زن شوهر دار، بعضی شاغلین دولتی و ... این اختیار از بین می رفت و اشخاص فوق دارای اقامتگاه اجباری بوده اند.

در حقوق فرانسه نیز مانند حقوق رم، اقامتگاه محلی بود که مرکز امور شخص در آن قرار داشته است، با این تفاوت که در حقوق فرانسه، در تعریف اقامتگاه محل سکونت نیز جای خود را باز کرده است و در نتیجه با تعریفی کامل تر در حقوق فرانسه، اقامتگاه را محلی می دانسته که محل سکونت و مرکز امور شخص در آنجا قرار داشته است.

در حقوق اسلام تحت عنوان اقامتگاه مطلب خاصی وجود ندارد. اما اصولاً افرادی که به تابعیت اسلامی پذیرفته می شدند می بایست محل اقامت خود را نیز در قلمرو اسلامی قرار می دادند. بیگانگان نمی توانستند به اراده خود در قلمرو اسلامی دارای اقامتگاه باشند. تنها افرادی که مستأمن نامیده می شدند، در حدود تأمینیه که به آنها داده می شد، حق داشتند در ممالک اسلامی اقامت نمایند.

در خصوص حقوق ایران می توان اینگونه ذکر نمود که با توجه به اینکه در حقوق اسلامی بحث چندانی از اقامتگاه نشده، در حقوق قدیم ایران نیز اقامتگاه جایی نداشته است. اما در حقوق جدید ایران یعنی پس از مشروطیت، اولین بار در قانون اصول محاکمات حقوقی مصوب سال ۱۳۲۹ هجری قمری اقامتگاه اینطور تعریف شده است. اقامتگاه محلی است که شخص در آنجا از حیث شغل، کسب، خدمت یا علاقه ملکی اقامت دارد.

## بررسی و تعریف اقامتگاه

معمولاً می گویند اقامتگاه جزئی از وضعیت اشخاص است و یا وضعیت از اجزائی تشکیل می شود که از آن جمله اقامتگاه است و در نتیجه اقامتگاه تابع قانونی می شود که بر وضعیت اشخاص حکومت می کند. به عبارت دیگر برای تشخیص اقامتگاه یک شخص باید به قانونی که در روابط بین الملل بر احوال شخصیه او حکومت میکند، مراجعه نمود. اقامتگاه رابطه ای است حقوقی دارای بعضی از خصائص سیاسی که بین اشخاص و حوزه معینی از قلمرو دولتی برقرار می شود و بدین وسیله اشخاص، بدون آنکه واجد وصف تبعه باشند، از گروه ساکنین و متعلقین به آن حوزه تشخیص می شوند. اقامتگاه یک عامل تقسیم مادی و مربوط به مکانی است که افراد در آن جا ساکن میباشند.

با این اوصاف در مورد اقامتگاه تعاریف متعدد و مختلفی صورت گرفته است ولی تعریف واحدی ارائه نشده است. برخی از حقوقدانان اقامتگاه را رابطه ی مادی و حقوقی که شخص را بدون توجه به تابعیت به قسمتی از خاک یا دولت پیوند می دهد. بعضی دیگر معتقدند که اقامتگاه، رابطه ای است حقوقی دارای بعضی از خصایص سیاسی که بین اشخاص و حوزه معینی از قلمرو دولتی برقرار می شود و بدین وسیله اشخاص، بدون آن که واجد وصف تبعه باشند از گروه ساکنین به آن حوزه تشخیص می شوند. برخی دیگر در مورد تعریف اقامتگاه می گویند: ارتباط هر شخص با محیط اطراف خود، محلی که در آنجا زندگی می کند، یا به کسب و کار اشتغال دارد، تحت عنوان اقامتگاه مورد بررسی قرار می گیرد.

اما در نهایت می توان اینگونه ذکر نمود که هر شخصی از نظر حقوقی بستگی به محلی دارد که در آنجا سکونت دارد و خانواده، شغل و منافع او در آنجا یافت می گردد. این وضعیت در حقوق « اقامت » نامیده می شود و حقوق مدنی برای هر فردی محل اقامت مخصوص تعیین می کند که محل اقامت قانونی او است، حتی اگر شخص مزبور در حقیقت و عملاً در آن محل نباشد. گرچه بین اقامتگاه در حقوق داخلی و اقامتگاه در حقوق بین المللی تفاوت بسیار است، اما معمولاً تعریف تقریباً مشابهی از اقامتگاه در سطح داخلی و بین المللی می شود. اغلب قوانین به یک تعریف کلی از اقامتگاه اکتفا کرده اند، چه این اقامتگاه داخلی باشد و چه بین المللی، بنابراین از نظر قانون گذار هر کشور، هر شخصی که مشمول تعریف مندرج در آن قانون باشد، مقیم آن کشور محسوب است، اعم از اینکه تبعه آن کشور باشد یا نباشد.

## اقسام اقامتگاه

اقامتگاه از لحاظ حقوق مدنی دو نوع است: اقامتگاه عام یا حقیقی، اقامتگاه خاص یا قراردادی. اقامتگاه عام یا حقیقی: اقامتگاهی است که مربوط به کلیه حقوق مدنی و تعهدات شخصی است و خود بر دو قسم است. الف) اقامتگاه اختیاری، ب) اقامتگاه اجباری یا تبعی.

**الف) اقامتگاه اختیاری:** عبارت است از اقامتگاهی که شخص واجد اهلیت به اراده و میل خود تعیین می کند. هر شخصی آزاد است در هر محلی که بخواهد اقامتگاه خود را تعیین نماید. با توجه به اصل وحدت اقامتگاه اشخاصی که دارای اقامتگاه اجباری می باشند نمی توانند به میل خود اقامتگاه اختیاری برای خود تعیین نمایند. اطفالی که به علت صغر سن اجباراً دارای اقامتگاه ولی خود، می باشند، پس از رسیدن به سن رشد، اهلیت تشکیل اقامتگاه اختیاری را به دست می آورند.

**ب) اقامتگاه اجباری یا تبعی:** اقامتگاهی است که از طرف قانونگذار برای بعضی اشخاص تعیین می شود. اقامتگاه این اشخاص به علت وابستگی هایی که به اشخاص دیگر دارند و یا به مناسبت شغل خاص آنها به میل خود آنها نمی تواند تعیین شود، بلکه قانون برای این افراد به تبع اشخاصی که به آنها وابستگی دارند، یا به تبع شخصی که کار برای او انجام می شود، اقامتگاه تعیین می نماید. به همین دلیل بهتر است این نوع اقامتگاه، قانونی خوانده شود نه اجباری. زیرا قانونگذار آن را برای بعضی افراد به جهت وضعیت خاص آنان قرار داده است و به آنها امر می کند که در اقامتگاه مقرر اقامت گزینند.

**اقامتگاه خاص یا قراردادی:** اقامتگاهی است که شخص، فقط برای بعضی امور، در محل معینی تعیین می نماید. معمولاً این نوع اقامتگاه در مورد قراردادهای و معادلات برای اقامه دعوی یا انجام ابلاغ، نسبت به موضوع خاص معین می شود. همانطور که از اسم این اقامتگاه نیز مشهود است، این نوع اقامتگاه قراردادی است. بدین معنی که طرفین به موجب قرار داد خود یا قرار دادی جداگانه، اقامتگاه مخصوص آن قرارداد را تعیین می نمایند، که ممکن است در محلی غیر از اقامتگاه حقیقی شخص، یا حتی در خارج از کشور متبوع و محل اقامت شخص باشد.

## اصول حاکم بر اقامتگاه

در حقوق بین الملل عمومی و خصوصی اقامتگاه عنصر مهمی در تعیین قلمرو حقوقی شخص محسوب می شود. اقامتگاه نیز همانند تابعیت بر اصولی مبتنی است که در ذیل به آن خواهیم پرداخت:

الف) اصل لزوم اقامتگاه، ب) اصل وحدت اقامتگاه، ج) اصل تغییر پذیری اقامتگاه.

**الف) اصل لزوم اقامتگاه ( هر شخصی بایستی اقامتگاه معینی داشته باشد):** هر شخصی باید دارای اقامتگاه معینی باشد. به موجب فواید اقامتگاه که در گفتار بعدی به آن اشاره می شود، اقامتگاه هر شخصی بایستی مشخص باشد، تا در هنگام بروز مسائلی، اشکالی پیش نیاید. هیچ کس بدون اقامتگاه نیست، بلکه ممکن است اقامتگاه وی معلوم و مشخص نباشد که به اینگونه افراد نام « آدمید» داده اند. پس طبق اصل لزوم اقامتگاه و صرف نظر از استثنائات فوق هر شخصی به محض تولد، باید دارای اقامتگاه معینی باشد. همچنین به موجب این اصل هیچ کس نباید اقامتگاه خود را بدون به دست آوردن اقامتگاه دیگر از دست بدهد. اما در عمل، از دست دادن اقامتگاه در یک کشور منوط به تحصیل اقامتگاه در کشور دیگر نمی باشد و همین امر ممکن است باعث به وجود آمدن اشخاص بدون اقامتگاه باشد. از اصل فوق الذکر دو نتیجه حاصل می شود که هر کدام به نوبه خود قاعده ای را تشکیل می دهد: اول آنکه هر فردی به محض تولد بایستی دارای اقامتگاه معینی باشد یعنی همان طور که شخص در آغاز زندگی تابعیت کشور معینی را دارد، همانطور باید در موقع تولد، به یک محل معین تعلق داشته باشد. استثنائات این قاعده نادرست است و تقریباً تمام قوانین کشورها لاقلاً اقامتگاه پدر و مادر را در هنگام تولد به طفل تحمیل می نمایند. دوم آنکه هیچ فردی نبایستی اقامتگاه خود را از دست بدهد بدون اینکه اقامتگاه دیگری به دست بیاورد. این قاعده استثنائات زیاد دارد، مخصوصاً که قوانین کشورها عملاً از دست دادن اقامتگاه را منوط به تحصیل اقامتگاه در کشور دیگری نمی کند.

**ب) اصل وحدت اقامتگاه ( هیچ شخصی نباید بیش از یک اقامتگاه داشته باشد):** بر اساس این اصل هیچ کس نمی تواند بیش از یک اقامتگاه داشته باشد. مسلم است همانطور که دارا بودن تابعیت مضاعف موجب بروز اشکالاتی در سطح بین الملل

می‌گردد، داشتن اقامتگاه مضاعف نیز اشکالاتی در بر خواهد داشت، مثلاً از نظر مالیاتی ممکن است، هر دو کشور محل اقامت، از شخص، مالیات اخذ نمایند و بنابراین شخص مالیات مضاعف بپردازد. اصل وحدت اقامتگاه ناظر به اقامتگاه اختیاری و اجباری است و اقامتگاه قرار دادی با توجه به این امر که مربوط به موضوعاتی خاص است می‌تواند متعدد باشد و از این جهت مغایرتی با اصل فوق‌الذکر که نخواهد داشت. در اینباره هم استثنائاتی وجود دارد، به این معنی که در مواردی پدیده اقامتگاه مضاعف (یا متعدد) پیدا می‌شود و در عمل با اشخاصی مواجه می‌شویم که دارای اقامتگاه متعدد از لحاظ بین‌المللی هستند.

**ج) تغییر پذیری اقامتگاه (اقامتگاه یک امر همیشگی نیست):** گر چه از مفهوم اقامتگاه وصف ثبات و دائمی بودن آن انتزاع می‌گردد و معمولاً به شخصی مقیم می‌گویند که به طور دائم در محلی مستقر است و همین امر باعث حصول این اطمینان می‌شود که در آن محل همواره شخص مورد نظر قابل دسترسی خواهد بود، اما به موجب این اصل اقامتگاه یک امر همیشگی نیست، قابل تغییر بوده و دائمی بودن آن نسبی است. یعنی اصولاً هر کس می‌تواند در دوران زندگی اقامتگاه خود را تغییر دهد.

### فواید حقوقی تعیین اقامتگاه

مراد از اقامتگاه، مقر قانونی شخص است و مظهر انتساب اشخاص به دولتی معین و رابطه ای مادی و حقوقی است که شخص را، بدون توجه به تابعیت او، به قسمتی از خاک یک دولت پیوند می‌دهد. اما آنچه در این مبحث مورد بررسی قرار می‌گیرد فواید حقوقی تعیین اقامتگاه می‌باشد.

داشتن اقامتگاه برای اشخاص، دارای آثاری است که ذیلاً به آنها اشاره می‌شود.

#### ۱- در مورد احوال شخصیه

بسیاری از کشورها قانون صلاحیت دار را راجع به وضعیت و اهلیت اشخاص قانون محلی می‌دانند که اشخاص در آنجا اقامتگاه دارند و این سیستم، سیستم انگلیسی- آمریکائی است که شامل نیمی از جهان می‌باشد ممالک اسکاندیناوی هم به همین طریق عمل می‌کنند و می‌توان گفت که تا قرن نوزدهم این رویه، رویه بین‌المللی بوده و درست از قرن نوزدهم به بعد است که در بعضی از کشورها مفهوم تابعیت جایگزین مفهوم اقامتگاه می‌شود.

#### ۲- تعیین صلاحیت دادگاهها

موضوع اقامتگاه از لحاظ صلاحیت دادگاهها نیز همیشه مورد توجه بوده و می‌باشد چه طبق سنت و رویه متداوله «دعوی باید در دادگاهی اقامه شوند که خوانده در حوزه قضایی آن اقامتگاه دارد». همچنان که دعوی راجع به ترکه متوفی یا توقف و ورشکستگی باید در دادگاهی اقامه شوند که متوفی یا متوقف و یا ورشکسته در حوزه آن اقامت داشته‌اند.

#### ۳- تشخیص قانون صلاحیت‌دار

در بعضی از کشورها از جمله کشور فرانسه با آنکه اصولاً قانون مملکت متبوعه شخص بر احوال شخصیه او حکومت دارد مع ذلک در مواردی از قبیل طلاق و نسب وقتی که طرفین تابعیت واحد ندارند قانون اقامتگاه مشترک، اعمال می‌شود. همچنین راجع به ترکه منقول، قانون اقامتگاه متوفی را اعمال می‌کنند. مثلاً هرگاه یک ایرانی که در فرانسه اقامتگاه دارد در آنجا فوت کند قانون صلاحیت‌دار در تقسیم ترکه منقول او قانون فرانسه خواهد بود.

#### ۴- از جهت تمتع از حقوق و انجام بعضی تعهدات

مثلاً از لحاظ حق انتخاب نماینده، برای مجالس مقننه و تعهد پرداخت مالیات تشخیص اقامتگاه متضمن فایده است، در بعضی موارد شخص اقامتگاه انتخاباتی دارد و فقط در آن محل می‌تواند از حق رای دادن بهره‌مند شود. همچنین تعهد پرداخت مالیات براساس تشخیص اقامتگاه بر ذمه مودی مستقر می‌شود. «اداره دارایی صلاحیت‌دار در مورد مالیات بر ارث اداره‌ای است که آخرین اقامتگاه قانونی متوفی در حوزه آن واقع است. همچنین ابلاغ اظهارنامه و احضاریه و برگه‌های دادرسی و اجرائیه در اقامتگاه شخص به عمل می‌آید. در مورد صدور پروانه کار برای بیگانگان باز یکی از شرایط لازم، داشتن اقامت در ایران است.

#### ۵- تعیین تابعیت

در مورد اشخاص حقوقی مثل شرکتها در بسیاری از کشورها اقامتگاه اساس تابعیت است. یعنی هرکجا که شرکت ثبت شده و اقامتگاه اش باشد تابعیت همان کشور را هم دارد. در مورد اشخاص حقیقی هم وقتی درصدد تحصیل تابعیت هستند، معمولاً

یکی از شرایط همین اقامتگاه است. چنانکه در قانون ایران برای تحصیل تابعیت ایران چند سال اقامت متوالی یا متناوب لازم است.

### بررسی مسئله اقامتگاه مسلمانان مقیم کشورهای غیر اسلامی

در شریعت اسلام، آزادی انتخاب اقامتگاه برای هر فرد مسلمان در کشور اسلامی و نیز خارج از سرزمین اسلامی، حق مشروع است. وضعیت رقت بار مسلمانان در کشورهای غیر اسلامی و برخورد توهین آمیز آن دولت ها با اقلیت های مسلمانان مقیم و مهاجر آن کشورها، از چالش های بزرگ جهان اسلام است و دولت های غربی که امروزه مدعی حقوق بشر هستند با وقاحت تمام مقدسات دین اسلام را مورد تعرض قرار داده و همه گونه بی حرمتی و اهانت را بر اقلیت مسلمانان روا داشته و آنان را از داشتن حقوق شهروندی و کرامت انسانی محروم نموده اند. این وضع رقت بار و توهین آمیز، باعث شده تا بحث در حقوق اقلیت های اسلامی در کشورهای غیر اسلامی ضرورت پیدا کند. از همه مهمتر اینکه تکالیف آنها به زور قوانین کشورها انجام شود و آنها حق مخالفت یا عصیان ندارند مگر آنکه این اجبار و اکراه از حدود طبیعی فراتر رود و با آنها برخورد بسیار خشونت آمیزی صورت گیرد.

اگر کشورهای غربی، نسبت به حقوق بشر، علاقه و توجه نشان می دهند، این امر تنها منحصر به شهروندان خودشان می باشد. در مورد دیگران، موضوع در تئوری و عمل، و به ویژه اگر مسئله مربوط به جهان اسلام باشد، کاملاً برعکس است و همین نکته است که مشکلات بزرگی برای مسلمانان ساکن در کشورهای غیراسلامی، ایجاد کرده است. مقتضای این وضع نیز، فعال ساختن موضوع حقوق بشر با نگاهی همه جانبه و جهانی و عدم اکتفا به شعارها برای مسلمانان یا غیرمسلمانان در کشورهای غیراسلامی است. بیان این وضع نیز ضروری است، زیرا در پناه جهانی شدن رسانه های پر از دروغ و فریب و خدعه زندگی می کنیم که حتماً باید پرده از آن برگیریم و در عین حال کرامت و حرمت مسلمانان در کشورهای غیراسلامی را محفوظ نگاه داریم. منطق شهروندی، اقتضا دارد که برای تحقق اصل ثبات و تفاهم و همکاری و همیاری و نیز تشویق خلاقیت ها و فعالیت های خالصانه و وفادارانه به وطن و ستایش از کوشش دست اندرکاران، با همه شهروندان، برخوردی یکسان و برابر صورت گیرد، به ویژه این که مسلمانان موجود در کشورهای غیراسلامی، خدمات بزرگی در عرصه های مختلف صنعتی، کارگاهی، اداری و غیره ارائه نموده و می نمایند و این ستمکاری است که حقوق انسانی آنها و نیازمندی های زندگی شان نادیده گرفته شود و از توان و نیروی فکری و جسمی آنها بهره گیری شود ولی از هیچ یک از مزایا و منافعی که دیگران از آن برخوردارند، بهره ای نبرند. هر حقی، تکلیفی در برابر دارد و مسلمانان نیز هم چون دیگران دارای حقوقی هستند و در برابر، تکالیف مشابهی نیز بر عهده دارند. مهم ترین حقوق فردی شامل حق زندگی، حق حرمت انسانی، حق آزادی و رفت و آمد و حق برابری با دیگران است. حق زندگی یا حق حیات، خاستگاه همه حقوق انسانی و حق مقدسی است که پاسداری از آن نیز وظیفه حتمی است، زیرا این حق در همه شریعت های الهی و زمینی و در راستای بقای نوع بشر و آبادانی و استمرار زندگی بشری، از نعمت های الهی به بندگان خدا است و تمام مردم با هر دین و مذهب و با هر خصوصیتی اعم از عقب مانده یا پیشرفته، عالم یا جاهل، حاکم یا محکوم، همه و همه به صورت یکسان از آن بهره مند می باشند. اعلامیه جهانی حقوق بشر صادره در دهم دسامبر ۱۹۴۹م. در ماده سوم خود از قدسیت این حق یاد می کند: «همه افراد از حق حیات، آزادی و سلامتی شخصی برخوردارند.» در هیچ کدام از قوانین جهان، متنی چون قرآن مجید در بزرگداشت و حرمت جان آدمی و تحریم تجاوز ناحق به انسان یا حیوان، یافت نمی شود؛ قرآن قتل هر انسان را تجاوز به همه مردم تلقی می کند و مجازات قصاص را برای مرتکب قتل عمد واجب می داند.

یک مسلمان ساکن و شهروند در کشور غیراسلامی نیز دارای تکالیفی مشابه با تکالیف شهروندان اصلی آن کشور، از جمله تعهدات کلی دولت، تعهدات خاص در برخورد با شهروندان، مانند پرداخت مالیات و عوارض به دولت، حفظ حریم و حرمت دیگران، پاسداری از امنیت، امان خواهی و احترام به مواد پیمان نامه ها و رعایت وظایف کاری، اقامتی و تحصیلی مقیم است؛ زیرا علم، امری مشاع و حق همگانی است. فرصت های کار نیز باید برای همگان اعم از ساکنان اصلی و افراد مقیم و نیز افراد دارای تابعیت آن کشور، به صورت یکسان فراهم باشد و این چیزی است که باید در همه قوانین و نظامات پیشرفته و متمدن بشری وجود داشته باشد و اسلام از مدت ها پیش آن را مقرر داشته است. مسلمانی که وارد یک کشور غیراسلامی می شود یا در یک کشور غیراسلامی مقیم می گردد، باید مقتضیات اقامت و شرایط و اوضاع زندگی در آن جا را کاملاً رعایت کند و حق ندارد در امنیت آن جا یا نظم معاملات آن کشور، اختلال ایجاد نماید و نسبت به هر جرمی که مرتکب می شود استحقاق مجازات مقرر در قوانین

آن کشور را پیدا می‌کند. ولی فرد مسلمان نباید کاری را انجام دهد که با اصول دین و احکام شریعت وی و آداب اسلامی منافات داشته باشد؛ او باید الگویی شایسته برای انجام وظیفه و برخورداری از خصلت‌های اسلامی باشد. این خطای فاحشی است که برخی مسلمانان مقیم در کشورهای بیگانه غیراسلامی تصور می‌کنند که اموال و ناموس و جان بیگانگان، حلال است و فرد مسلمان هرکاری را که مایل بود، می‌تواند انجام دهد. این عین بلاهت، حماقت، جهل و انحراف از احکام و قواعد اسلامی است. همان‌گونه که ما وقتی به یک غیر مسلمان در کشور خود امان دادیم، جان و مال و ناموس او در امان خواهد بود، امان نامه یا ویزا یا موافقت با اقامت یا تابعیت صادره از سوی یک کشور غیرمسلمان برای یک مسلمان نیز دارای چنین حکمی است و غیرمسلمانان در امان مسلمان قرار می‌گیرند و آزار و اذیت و تهدید و توهین به آن‌ها جایز نیست.

در نهایت اینکه، کار و کوشش یک مسلمان باید همراه با اعتدال، میانه روی، حکمت، هوش و خردمندی، سیاست‌ورزی، دوری از درگیری و برانگیختن احساسات و عواطف، و جلوگیری از جبهه‌گیری ساکنان بومی نسبت به بیگانگان باشد. این دستورالعمل‌ها یا شیوه‌ها، تأکیدی بر مدارا کردن اسلام با غیرمسلمانان چه در «دارالاسلام» و چه در دیار دیگر است.

### نتیجه گیری

پژوهش حاضر تحت عنوان « بررسی مسئله اقامتگاه مسلمانان مقیم کشورهای غیر اسلامی » می‌باشد که به تبیین وضعیت مسلمانانی که اقامت کشورهای غیر اسلامی را دارند پرداخته است. در این نوشتار به دنبال این سوال بودیم که وضعیت اقامتگاه مسلمانان مقیم در کشورهای غیر اسلامی چگونه است؟ و برای دستیابی به این سوال این فرضیه را نیز مطرح نموده ایم که مسلمانان که در کشورهای غیر اسلامی مقیم هستند از حداقل حقوق خود برخوردار هستند و در کشورهای غیر اسلامی از وضعیت مطلوبی برخوردار نیستند.

آنچه به عنوان نتیجه گیری می‌توان ذکر نمود این است که مسلمانان ساکن و مقیم در کشورهای غیر اسلامی اعم از آن که تبعه اصلی آن کشور بوده یا تابعیت آن را دریافت کرده یا در آن مقیم هستند به رغم اینکه به حکم قوانین و نهادهای جاری، به همه وظایف و تکالیف خود عمل می‌کنند، از حداقل حقوق خود، به ویژه حق برخورداری از آزادی‌های دینی، سیاسی، اداری و ... برخوردارند و این در حالی است که کشورهای مزبور مع مولا مدعی رعایت حقوق بشر هستند.

( منابع در دفتر نشریه موجود میباشد )

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی